

**دانشگاه علامه طباطبائي**

دانشکده حقوق و علوم سياسي-

گروه روابط بين الملل

**موضوع:**

«تاثير عامل اقتصاد و ابعاد آن بر کنش احتمالي نظامي

آمريکا عليه ايران »

**استاد:**

**نکارش :**

فهرست مطاب

عنوان صفحه

مقدمه 3

چهار چوب نظري 6

**فصل اول**

ژئواکونوميک خليج فارس 16

عوامل همگرايي و همکاري 18

همکاري هاي اقتصادي کشورهاي خليج فارس 20

توليدات نفتي و غير نفتي 21

منابع

**فصل دوم**

سياست خارجي امريکا در خليج فارس 26

اهداف سياست خارجي امريکا و منافع آن در خليج فارس 29

اهداف سياسي 30

اهداف اقتصادي 31

اهداف امنيتي – نظامي 32

ايران و سياست خارجي امريکا 32

برنامه هسته اي ايران و اقدام احتمالي نظامي امريکا 34

کشور هاي عربي خليج فارس و اقدامات امريکا 37

جامعه بين الملل و راه حل هاي منطقي و مديريت بحران هسته اي ايران 41

نتيجه گيري 45مقدمه

از آنجائيکه هسته اصلي اين موضوع پژوهشي ، تاکيد و توضيح فايده بودن مکتب اقتصادي و بويژه ليبراليسم در ارائه راه حل هاي منطقي و انساندوستانه براي معضلات و مشکلات بشري در تمام ابعاد و جنبه هاي آن است . سعي شده در روند نگارش اين تحقيق و تمام نقاط آن از مکتب اقتصادي و تاثير آن بر توجيه و جهت دهي سياست کشورها استفاده شود و اميدوارم در جاي مناسب قرار گرفته باشد . در واقع در محدوده روابط بين الملل ، بهره گيري از راهکارهاي غير نظامي براي تحقق اهداف طراحي شده در وسيع‌ترين معنا ، فزونترين در صد تحقق و در محدود ترين ديدگاه ، کمترين ميزان ناکار آمدي را قلم مي زند که ريشه در توانمندي عاملان آن دارد . و متاسفانه چنين پيامدهاي در صحنه بين المللي با وجود طيف وسيع از همکاري و وابستگي ، پيامدهاي خشونت بار هم ديده مي شود ، و اين بخاطر وجود بعضي از اعضاي قدرت طلب و جنگجو و خود خواه مي باشد ، ولي باز هم گيتي علو از اعضاي بسياري از خير خواه و مسالمت آميز و ذات نيک امتياز دارد. خلاصه، تلاش شده است که در اين تحقيق ، از ايده ها و ارزش هاي ليبرال گرا براي مطابقت دادن اين مکتب با کارآمدي آن در ابطال کار آمدي اقدام نظامي و اثبات فعال بودن همکاري و گفتگو در حل بحران ها بين بازيگران بين المللي مورد استفاده قرار گيرد . بنابر اين ابتدا با تشريح و توضيح نظريه اقتصادي (ليبراليسم ) و اهميت آن در حل معضلات اقتصادي – سياسي – امنيتي و غيره و در کل هسته اين نظريه را بررسي کرديم و در جاي خود قرار داده ايم . در فصل اول تحقيق ، ژئوپوليتيک و ژئواکونوميک خليج فارس و اهميت آن در تشويق همکاري و گسترش روابط اقتصادي بين کشورهاي منطقه ، در فصل دوم به سياست خارجي امريکا در منطقه خليج فارس اختصاص داده شد که بحث مهم تحقق را دارا است . سپس اهداف سياست خارجي امريکا در منطقه تشريح و باز بيني شد . در ادامه اين فصل بر دو بازيگر مهم فرضيه يعني ايران و امريکا تاکيد شد و راه هاي مناسب براي رفع مشکل و حل بحران بين هر دو مورد بررسي قرار گرفت . و بخش مهم ديگر اين فصل به اهميت امني بودن خليج فارس جهت تحقق منافع کشورهاي منطقه بدون خونريزي و شکل‌گيري فاجعه ناگوار پرداخته شد و در نهايت واکنش جامعه بين الملل و موضع گيري آن از چنين اقدام امريکايي و ارائه راه حل هاي مناسب و منطقي براي حل بحران در منطقه بسيار حساس از جهان مطالعه و بررسي شد . در مجموع، هدف از اين تحقيق .

اثبات فرضيه بر اساس چارچوب تئوريک مذبور و کارآمدي آن در دور شدن از تحمل فاجعه هاي ناگوار انساني و مادي مي باشد . و به عبارت ساده تر ، تاثير فعال جنبه ها اقتصادي – تجاري و ارزش هاي ان بر تکيه کردن بر راه حل هاي مسالمت اميز و همکاري و ابطان نمودن کارآمدي رفتار خشونت آميز و نظامي در حل مسائل سياسي – اقتصادي ، امنيتي مي باشد ، اثبات شود .

اين واقعيت پر واضح است که کليتي جغرافيايي ، اقتصادي و فرهنگي که به رهبري آمريکا غرب ناميده مي شود در بسياري از حيطه ها نقش تعيين کننده دارد . امروزه الگوهاي معيار و شکل دهنده ماهيت حيات سياسي – دموکراسي ليبرال به عنوان يک نيروي حيات بخش روند هاي حاکم بر حيات اقتصادي – زوال اهميت برجسته اقتصادي مرزهاي مالي و سمبل هاي حياتي فرهنگي بين الملل شدن فرهنگي پويا – نوپاي مردم پسند ، معادلات شکل دهنده حيات نظامي به مثابه کسب و کار . نشانگر تفوق همه جانبه ديدگاه هاي ليبراليسم سياسي و اقتصادي به رهبري امريکا هستند . با توجه به اين واقعيت است که کشورها نگرش همسو در اين زمينه ها دارند و نبايد از خاطر دور ساخت که به جهت ويژگي نظام بين الملل تمايزات و اختلافات بين کشورها وجود دارد که البته اين اختلافات و تضادها تنها در گستره اولويت ها روش ها و فرايند است و در رابطه با ماهيت ها همسويي وجود دارد . بنابر اين در سياسيت هاي موفق کشورها در تعامل با يکديگر در درجه اول منافع خود را لحاظ مي کنند و ابزار متفاوت بدست آوردن آن به کار مي گيرند .

**سئوال تحقيق :** عامل اقتصاد و ابعاد آن چه تاثيري بر استفاده امريکا از خيار نظامي عليه ايران خواهد داشت .

**فرضيت :** عامل اقتصاد و ابعاد آن باعث محدوديت استفاده امريکا از خيار نظامي براي متوقف ساختن برنامه هسته اي ايران مي شود .